

بازنشستگان:

با همسان سازی به شیوه پلکانی مخالفتیم

جمعی از بازنشستگان کشوری در نامه‌ای سرگشاده خطاب به نمایندگان مجلس از بی‌توجهی‌ها نسبت به خواسته‌های خود انتقاد کردند و خواستار توجه سرپرست تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مطالبات خود شدند. به گزارش ایلنا، در این نامه آمده است: «با توجه به درخواست‌ها و اعتراضات مکرر در سال‌های گذشته نسبت به عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ که موجب اختلاف حقوق بازنشستگان سنوات مختلف نسبت به یکدیگر و دیگر شاغلین و باعث تبعیض شدید شده، نارضایتی شدید خود را نسبت به بی‌تفاوتی و عدم پاسخگویی و پیگیری مشکلات معیشتی و درمانی بازنشستگان اعلام می‌داریم.» بازنشستگان از سرپرست جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستند به خواسته‌های برحق آنها در خصوص افزایش مستمری با توجه به خط فقر، خدمات بیمه درمانی کامل و کارآمد و... رسیدگی کنند.

مقابل وزارت اقتصاد روی داد تجمع دوباره کارکنان سهام عدالت

گروهی از نمایندگان کارکنان تعاونی سهام عدالت کشور صبح دیروز با حضور مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و دارایی برای چندمین بار خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش خبرنگار ایلنا، این گروه از کارگران که از نقاط مختلف کشور برای پیگیری وضعیت شغلی و مطالبات معوقه خود عازم تهران شده‌اند، می‌گویند: پس از ۱۱ سال فعالیت در دفاتر شرکت‌های تعاونی سهام عدالت، هنوز وضعیت شغلی مان مشخص نیست در عین حال به دلیل پرداخت نشدن حدوداً ۴۱ ماه از مطالبات مزدی مان، در وضعیت بد معیشتی قرار داریم. دیگر دلیل برپایی این تجمع صنفی، نارضایتی جمعیت هزار و ۵۰۰ نفری کارکنان دفاتر شرکت‌های تعاونی سهام عدالت سراسر کشور بابت محقق نشدن وعده رئیس سازمان خصوصی سازی در «بین‌نکوداشت ساماندهی سهام عدالت» است که از قرار معلوم در آن روز قول پیگیری وضعیت شغلی و پرداخت مطالبات کارکنان سهام عدالت را تا پایان سال ۹۶ داده است. به گفته معترضان، پیش از این نیز کارکنان دفاتر سهام عدالت مقابل ساختمان‌های مجلس شورای اسلامی، وزارت اقتصاد و سازمان خصوصی سازی تجمع کرده بودند که در همه این تجمعات مسئولان مربوطه وعده پیگیری مطالباتشان را داده‌اند. همچنین به نقل از این کارگران گفته می‌شود، بخش دیگری از موارد مورد اعتراض ما نامه اخیراً رئیس مجلس به رئیس‌جمهور درباره مصوبه دولت برای اختصاص ۲۵ میلیارد تومان برای جبران خدمات کارکنان شرکت‌های تعاونی شهرستانی سهام عدالت است که آن را مأموران باقانون دانسته است.

**وعده‌ها محقق نشد****سه ماه مزد معوقه هم‌انداران «برناریل گستر تهران»**

حدود ۲۵ هم‌اندان شرکت «برناریل گستر تهران» در محور راه‌آهن گرگان به زاهدان ۳ ماه مزد معوقه دارند. به گزارش ایلنا، منابع کارگری در شرکت «برناریل گستر تهران» گزارش دادند: کارگرانی که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «برناریل گستر تهران» به کارهای خدمات‌دهی به مسافران (مهمان‌داری) مشغول‌اند، سه ماه مزد از کارفرما طلبکارند. به گفته این کارگران که از ۴ تا ۱۵ سال‌داری سابقه کار هستند، معوقات حقوقی نیروی کار این شرکت خدماتی در ماه‌های اسفند ۹۶ و فروردین وارد بی‌هشت سال جاری به تعویق افتاده است. آنها می‌گویند شرکت پیمانکاری برناریل گستر تهران دستمزد ماه‌های خرداد و تیر ما را پرداخت کرده و برای پرداخت سه‌مطالبات معوق مانده وعده می‌دهد. به گفته این کارگران، به تعویق افتادن مطالبات مزدی آنها در حالی است که ظاهر شرکت رجا (کارفرمای اصلی) به صورت منظم صورت وضعیت‌های پیمانکار را پرداخت می‌کند. تلاش خبرنگار ایلنا برای گرفتن پاسخ مسئولان شرکت «برناریل گستر تهران» تا لحظه ارسال خبر بی‌نتیجه باقی مانده است.

گزارشی از تعطیلی یک واحد معدنی با ۵۰۰۰ معدنچی**کوچ مردان سیه‌چرده از دالان‌های سوت و کور**

نسرین هزاره مقدم

معدن سنگرود فقط صنعتی منطقه رودبار بود؛ کل شهرستان و پنج منطقه آن را پوشش می‌داد. از همه مناطق در سنگرود کارگر تعطیل شد. انکار رودبار تعطیل شد. از سال ۹۳ مهاجرت‌ها شروع شد؛ مردم از منطقه رفتند...

این گزارش، مروری است بر آنچه در معدن سنگرود در البرز غربی رخ داد؛ پروسه‌ای که از زلزله و آوار، آغاز و به تعطیلی ختم شد. معدنی که روزگاری، پنج هزار کارگر داشت و حالا فقط دالان‌های سوت و کور زیرزمینی است. روی بلندی که بایستی، همه روستاها زیر پای هستند؛ زن‌ها، مرد‌ها، بچه‌ها، مراتع سرسبز؛ دشت‌های فراخ در دامنه‌های البرز غربی. اینجا چند ده روستای کوچک و بزرگ در منطقه «فارب عمارلو» به صف شده و ایستاده‌اند اما اینجا زمان هم ایستاده است...

«چنانچه موضوع تعطیلی معدن زغال سنگ به حقیقت بیبوند بیش از ۲۲۰ کارگر بیکار خواهند شد و بر این اساس اگر میانگین افراد خانواده هر کدام از این کارگران را چهار نفر در نظر بگیریم مشکلات معیشتی گریبان‌گیر نزدیک به یک‌هزار و ۵۰۰ نفر از اهالی این بخش خواهد شد. تنها امیدمان به جلسه آتی مجمع فوق‌العاده هیات واگذاری به بخش خصوصی» است که قرار است روز شنبه (۲۶ مهر ماه) برگزار شود.

اینجا حرف‌هایی است که سال‌ها پیش زده شد؛ حرف‌هایی که جدی گرفته نشد؛ معدن سنگرود به بهانه اقتصادی نبودن تعطیل شد؛ مردان سیه‌چرده معدنکار آواره شدند و سکوت سنگرود را فرا گرفت. همان حرف‌هایی که اوایل مهر ماه ۱۳۹۳، مرتضی نیک‌پور، رئیس شورای اسلامی کار معدن سنگرود درباره عواقب تعطیلی این معدن خطاب به تمام مسئولان وقت گفت؛ اما افسوس که جدی گرفته نشد و این شد که حالا احساس می‌کنی در سنگرود در منطقه فارب عمارلو، زمان به راستی ایستاده است؛ عقر به‌ها از جایشان جُم نمی‌خورند...

محلی‌ها از آن روزهای رونق خاطرات خوبی دارند؛ مردم عکس‌های رنگ و رفته اما روشن آن روزها را هم دارند؛ از آن روزها هر چه مانده، نگه داشته‌اند؛ از روزی که معدن سرپایود و چراغ روستاها

که در منطقه سنگرود فقط یک دانش‌آموز دارد؛ این مدرسه نیز بعدها چراغش خاموش شد. پای درد دل محلی‌ها می‌نشینیم؛ آنها که آن روزهای خوب را خوب به خاطر دارند:

«باور تان می‌شود دهه ۶۰ نزدیک به پنج هزار نفر در همین معدن سنگرود کار می‌کردند؟ آنقدر وسیع بود این معدن که چندین سرویس حمل و نقل داشت؛ کارگران را از شهرها و روستاهای اطراف می‌آوردند اینجا در دهه ۶۰، سنگرود یکی از قطب‌های معدنی ایران بود؛ مایه افتخار منطقه بود؛ مجموعه معدن، باشگاه ورزشی داشت؛ سینما داشت؛ تئاتر داشت...»

دوران رونق و شکوفایی معدنی ایران بود؛ یکی از فعال‌ترین واحدهای معدنی کشور با مدیریت دولتی یکپارچه و کارگرانی که از شرایط شغلی‌شان راضی‌اند، تصویری کلی از فضای آن روزهاست؛ تصویری که چندان دیر نمی‌پاید؛ از آخرین سال دهه ۶۰، باران مصیبت فروبارید؛ دهه ۷۰، اوج بدبختی‌ها بود.

معدن سنگرود در زلزله ۳۱ خرداد سال ۶۹ طعم تلخ خرابی‌ها را چشید؛ آوار بر سر کارگران و خانواده‌هایشان فروریخت؛ اما این پایان کار مصیبت نبود؛ شش سال بعد حادثه تلخ انفجار معدن از راه رسید؛ در این حادثه ۲۰ نفر از کارگرانی که برای کسب یک لقمه نان حلال به دل معدن رفته بودند، جان خود را از دست دادند و عده بسیاری نیز دچار جراحات سنگین شدند. در این حادثه فرزندان بسیاری به سوگ پدر هایشان



نشستند و بر در دیوار بسیاری از خانه‌های منطقه، پارچه‌های سیاه آویزان شد.

خصوصی سازی کار دست معدنچیان داد

اما اینها همه پیش درآمد بود؛ مصیبت واقعی آهسته آهسته از راه رسید؛ واگذاری به بخش خصوصی؛ دست به دست شدن شرکت‌های تأمین نیرو یا همان دالان انسان و در نهایت انحلال و تعطیلی؛ شرکتی که روزگار ۵۰۰۰ کارگر داشت، در اواخر کار در سال ۹۳، بیش از سیصد نفر در آن شاغل نبودند.

معدن سنگرود در دولت خاتمی به بخش خصوصی واگذار شد که در واگذاری این واحد به بخش خصوصی دقت کافی صورت نگرفت. در نهایت معدن به شرکتی واگذار شد که توانایی مالی نداشت و از بدو واگذاری بار کسود مواجه و همین نقطه سرائیب حضیض آغاز شد تا در نهایت در مهر ماه ۹۳، حکم نهایی صادر شد؛ معدن سنگرود صرفه اقتصادی ندارد و باید تعطیل شود.

کارگران دوندگی بسیار کردند؛ چه پیش از تعطیلی و چه بعد از آن؛ بارها تجمع اعتراضی برگزار کردند؛ بارها با لباس کار و دستان سیه‌انود به تهران آمدند و حق خود را طلب کردند، بارها و بارها نامه‌نگاری کردند؛ دست به دامان مسئولان شدند و اما هرگز به هیچ‌جا رسیدند؛ در نهایت برخی بازنشسته شدند، برخی کوچ کردند و برخی نیز بیکار ماندند.

بعد سال‌ها باز هم به سراغ «مرتضی نیک‌پور» می‌روم؛ رئیس شورای اسلامی کارگران معدن سنگرود که سال‌ها پیش از این، هشدار داده بود معیشت این

جمعیت عظیم مردم را به خطر نیندازد. او که خودش همراه بخشی از کارگران بیکار شده سنگرود به معدن زغال سنگ طیس منتقل شده، در ارتباط با سرنوشت کارگران سنگرود می‌گوید: حدود ۱۷۰ نفر از کارگران سنگرود با بیمه بیکاری بازنشست شدند؛ ۱۰۹ نفر هم به واحدهای دیگر منتقل شدند؛ ۵۰ نفر طیس رفتند؛ ۲۶ نفر به اصفهان و ۴۰ نفر هم به مازندران منتقل شدند. همه پراکنده و آواره شدند.

نیک‌پور به عواقب این تعطیلی می‌پردازد: معدن سنگرود قطب صنعتی منطقه رودبار بود؛ کل شهرستان و پنج منطقه آن، عمارلو، فارب، نوده و خورگام، رحمت آباد و رستم آباد را پوشش می‌داد. از همه این مناطق در سنگرود کارگر داشتیم. معدن سنگرود که تعطیل شد، انگار رودبار تعطیل شد. از سال ۹۳ مهاجرت‌ها شروع شد؛ مردم از منطقه رفتند...

او به دلایل تعطیلی این واحد معدنی می‌پردازد: نمی‌دانیم کی با کی معامله کرد که بدبختی‌اش نصیب کارگران شد؛ نماینده وقت مجلس پی کار را گرفت و در مجلس ثابت کرد که توجیه اقتصادی ندارد؛ در نهایت با هم زدند و بستند و معدن را از پا انداختند. گفتند کیفیت

زغال سنگش خوب نیست و توجیه اقتصادی ندارد و تعطیلش کردند. من همان زمان به عنوان نماینده کارگران کلی پیگیری کردم؛ حتی پیش وزیر صنعت و معدن وقت رفتم؛ از همه آنها پرسیدم که چرا می‌خواهید این واحد قدیمی را تعطیل کنید؛ به همه‌ی آنها هشدار دادم که این کار را نکنید اما دریغ از یک پاسخ روشن.....

وی معتقد است که قیمت‌هایی که سازمان صنعت و معدن اعلام می‌کند بالاست و از آنجا که تجهیزات و نیروهای معدن به جاهای دیگر منتقل شده، چندان برای خریدار به صرفه نیست. او ادامه می‌دهد: با این وجود، قیمت پایین برای واگذاری نیز صحیح نیست؛ چون معدن، منابع ملی است و نباید با «رانت» واگذار شود. وعده‌راه‌اندازی کی قرار است جامه عمل بپوشد؛ لطفی در پاسخ می‌گوید: تا حالا حرف زیاد زده‌اند، یک بار گفتند بعد از عید راه می‌اندازیم؛ بعد گفتند تا پایان ماه رمضان؛ تا حالا که هیچ اتفاقی نیفتاده؛ فقط وعده و وعید... می‌گویند نامه واگذاری پیش رئیس صنعت، معدن و تجارت استان است، اما چه زمانی این کار واقعاً انجام می‌شود، الله اعلم!

بخشدار عمارلو اما امیدوار است؛ امیدوار به آینده‌ای که با نام معدن سنگرود گره خورده. امیدواریم این پروژه به انجام برسد؛ امیدواریم چراغ معدن باز هم روشن شود؛ خیلی روی پر داری نمی‌کنیم؛ نمی‌گویم معدن به دوران اوج و ۵۰۰۰ نفر کارگری آن زمان با هر گرد؛ حداقل در فاز اول با ۳۰۰-۴۰۰ کارگر شروع به کار کند؛ همین هم خیلی عالی است.

او در پایان می‌گوید: این روزها زغال سنگ بازار خوبی دارد؛ فروش زغال به صرفه است؛ خوب فروش می‌رود؛ دلیلی ندارد که نخواهند اشتباهات را جبران کنند و این معدن را راه بیاندازند... این امیدواری‌ها را کنار بگذاریم؛ اینها بماند برای بعد... فکرش را بکنید که در این سال‌ها چه بر سر سنگرود آمد؟ مردمانی که از خانه رفتند؛ خانه‌هایی که چراغ‌هایشان خاموش شد و چراغ‌هایی که کنج گینس بنویسند؛ تنها مسجدی که در مملکت ما تعطیل شد، مسجد المهدی معدن سنگرود است؛ فقط در همین سه، چهار سال اخیر، حدود ۲۸۰ خانواده از منطقه جیرنده و عمارلو کوچ کردند.....

اینکه چرا تصمیم گرفتند معدن را تعطیل کنند، سوالی است که باید مسئولان وقت پاسخگوی آن